

## نکاتی در اعتبارسنجی ادعیه و زیارات کتاب مفاتیح الجنان

کاظم استادی<sup>۱</sup>

### چکیده

مهم‌ترین و رایج‌ترین کتاب دعایی که در دوره معاصر مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد، کتاب مفاتیح‌الجنان اثر شیخ عباس قمی است. این کتاب پرتیراژترین کتاب پس از قرآن کریم است. بنابراین لازم است این اثر گران‌سنگ به دلیل گستردگی و نفوذ خود در جامعه، از ابعاد مختلف مورد بررسی و کنکاش پژوهشگران قرار گیرد. به همین منظور، در پژوهش حاضر، ضمن تأکید بر تمایل مؤلف به انتخاب و بهره‌گیری مطالب معتبر در ادعیه و زیارات، برخی نکات قابل توجه پیرامون اعتبارسنجی کتاب مفاتیح‌الجنان، مورد تأمل و تذکر واقع گردیده است. در نهایت مشخص شد، با اینکه شیخ عباس قمی تلاش داشته تا مطالب نامعتبر کتاب مفاتیح‌الجنان بروجردی را حذف و مطالب معتبر را در تلخیص و تألیف خود ارائه نماید؛ اما بنا بر نمونه‌هایی که در مقاله حاضر ذکر خواهد شد، روشن می‌شود که مطالب مختلفی در کتاب مفاتیح‌الجنان قابل ردگیری است که می‌توان به دلایلی، نامعتبر یا ضعیف و مخدوش دانست. بنابراین لازم است که تمامی مطالب مفاتیح، به صورت اختصاصی و مجزا، اعتبارسنجی و مستندسازی مجدد شوند.

واژه‌های کلیدی: مفاتیح‌الجنان، اسدالله بروجردی، ادعیه، تراث شیعه.

۱. کارشناسی ارشد فلسفه غرب، دانشگاه مفید، قم. kazemostadi@gmail.com

## ۱. مقدمه

چندی است که بعضی از محققین و پژوهشگران، در سند برخی زیارات و ادعیه، همانند دعای توسل، دعای عرفه و ... خدشه وارد کرده‌اند (به عنوان نمونه نک: ترابی، ۱۳۸۴: ۶۹-۴۴؛ کدیور، ۱۳۹۳). در این میان، عده‌ای نیز استدلال نموده‌اند که اساساً دعا، نیازمند سند نیست و ضرورتی به داشتن سند معتبر ندارد و می‌توان از آن‌ها به قاعده «اخبار مَنْ بَلَّغَ» برخوردار نمود (کریمیان، ۱۳۹۷)؛ به این معنی که دعا، فقط دعاست. از دیگر سو، بعضی نیز معتقدند: ادعیه و زیارات، جزو متون یا مشهوراتی هستند که نیاز به مدرک ندارند و احتیاجی نیست که الزاماً سند روایت دعا و زیارات را درست و تصحیح کنیم؛ به این معنی که ادعیه را می‌توان به امید ثواب خواند (به عنوان نمونه نک: صافی گلپایگانی، ۱۳۷۹: ۲۶۰).

به نظر می‌رسد، درباره این‌که «دعاها و زیارت‌ها نیاز به سند دارند یا خیر»، نمی‌توان به صورت کلی نظر داد و حکم نمود؛ یعنی ضرورت وجود سند برای زیارات و ادعیه، بستگی به «متن دعا» و «کارکرد دعا» خواهد داشت.

دعا اگر صرفاً دعا باشد و هیچ گزاره خبری در آن به صورت صریح یا ضمنی بیان نشده باشد، از این جهت که گزاره دعایی است، قابلیت صدق و کذب ندارد؛ یعنی جمله «خدایا مرا بی همسر مگردان»، خبر نیست تا ما بگوییم جمله‌ای صادق است یا کاذب. بنابراین این جمله، شاید برای صحت خود نیاز به سند نداشته باشد؛ اما همین گزاره صرفاً دعایی، از دو جهت نیازمند سند است: ۱. انتساب دعا به بزرگی یا معصومی<sup>(۱)</sup>؛ یعنی همین که بگوییم این جمله را مثلاً امام کاظم<sup>(ع)</sup> گفته است. ۲. ارائه خواسته‌ای اشتباه یا قبیح؛ به این معنی که از کجا بدانیم که بی همسر بودن، مذموم الهی است تا از خدا بخواهیم که بی همسر نباشیم؟

جدای از این نکته ساده، نکته مهم‌تری در ضرورت وجود سند برای دعاها و زیارت‌ها، درخور توجه است و آن اینکه، متون ادعیه و زیارات اسلامی و مخصوصاً شیعی، «دعای صرف» و «جمله انشایی صرف» نیستند؛ بلکه آن‌ها، جملاتی خبری نیز در خود دارند؛ یعنی ادعیه و زیارات شیعه، غالباً شامل «معارف و اعتقادات» خاص دینی و گزاره‌هایی خبری تاریخی و مذهبی هستند که این متون، مرجع استناد برای مطالب دیگر دینی و مذهبی واقع می‌شوند. مثلاً می‌گویند فلان اعتقاد شیعی، «لازم‌الاعتقاد» است؛ چرا، چون در فلان دعا یا زیارت مأثوره آمده است که ... یا فلان عمل، واجب یا مستحب است؛ چرا، چون در فلان زیارت یا دعای ناحیه مقدسه آمده است که .... بنابراین، با پذیرش متن یک دعا و زیارت، ممکن است «مطلب نادرستی» پذیرفته و رایج شود و از این منظر، دعاها و زیارات، جدای از بلندمرتبگی متن و عدم تناقض در محتوا، نیازمند سند و مدرک معتبر می‌باشند. به عبارت دیگر، بسیاری از معتقدات ما شیعیان، بر ساخته از محتوا و متن ادعیه و زیارات است؛ یعنی اگر ادعیه و زیارات را از مذهب تشیع حذف کنیم، ممکن است مشترکات بیشتری از این منظر نسبت با دیگر فرق اسلامی، پیدا کنیم. پس به نظر می‌رسد که نیاز است اسناد ادعیه و زیارات و کتاب‌هایی که شامل این متون هستند، به صورت ویژه، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند تا اگر واقعاً برخی از آن‌ها ضعیف یا مجعول هستند، مشخص شوند و معارف اعتقادی و مذهبی ما زلال‌تر گردند.

## ۲. بیان مسئله

از دیرباز تاکنون، کتاب‌های متعددی حاوی ادعیه و زیارات تألیف شده است (اصغر نیاویند، ۱۳۸۰)؛ اما مهم‌ترین و رایج‌ترین کتاب دعایی که در دوره معاصر مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد و حتی به زبان‌های دیگری نیز ترجمه شده (سلیمانی،

۱۳۸۹: ۳۲)، کتاب مفاتیح الجنان اثر عباس بن محمد رضا قمی ( ۱۳۵۹ ق) مشهور به شیخ عباس قمی یا محدث قمی است. این کتاب به سال ۱۳۴۴ ق. در مشهد منتشر (طالعی، ۱۳۸۹: ۳۱) و در مدت کوتاهی همه گیر شد؛ به طوری که پرتیراژترین کتاب پس از قرآن کریم، کتاب مفاتیح الجنان است. بنابراین هم به دلیل گستردگی و نفوذ مفاتیح الجنان در جامعه و هم برای عرض ارادت به مؤلف این کتاب، لازم است این اثر گران سنگ، از ابعاد مختلف مورد بررسی و کنکاش پژوهشگران قرار گیرد. به همین منظور، در نوشتار حاضر، برخی نکات درخور توجه جهت، تأمل و تذکر پیرامون اعتبارسنجی کتاب مفاتیح الجنان، تقدیم می شود.

### ۳. پیرامون مفاتیح الجنان

در ابتدای کتاب مفاتیح الجنان، معمولاً چند سوره کوچک و متوسط قرآن چاپ می شود که در چاپ های مختلف، کمی با هم تفاوت دارند. اصل متن مفاتیح الجنان در چند بخش تنظیم شده است:

باب اول: ادعیه و اعمال هفتگی. شامل تعقیبات نمازها، اعمال شب و روز و ایام هفته، نمازهای معروف و نیز زیارت ائمه در روزهای هفته (قمی، بی تا: ۱۲).

باب دوم: اعمال سالیانه. این باب در بیان برخی از اعمال مستحبی برای طول سال قمری و ادعیه سالانه، تنظیم شده است. این بخش، با ماه رجب شروع شده و با اعمال ماه جمادی الثانی و سپس اعمال نوروز و ماه های رومی تمام می شود (همان: ۱۳۱).

باب سوم: بخش زیارات. این باب با مطالبی درباره آداب سفر و زیارت و نیز اذن دخول حرم ها آغاز و سپس به زیارات پرداخته شده است. همچنین علاوه بر زیارات دوازده امام، شامل زیارت امامزادگان و بعضی از بزرگان و علمای شیعه نیز می گردد.

اعمال برخی از مساجد نیز در این باب ذکر شده است. مطلب پایانی این باب که آخرین مطلب در نسخه ابتدایی مفاتیح محسوب می‌شود، زیارت قبور مؤمنین و دعاهای مربوط به آن است (همان: ۳۰۲).

شیخ عباس قمی در چاپ دوم مفاتیح الجنان، بخشی را با نام «ملحقات» به کتاب افزوده است. در این بخش جدید، هشت مطلب که به اعتقاد نویسندگان نیاز مردم به این دعاها زیاد بوده، به مفاتیح افزوده شده است (همان: ۵۷۲).

جدای از این، شیخ عباس قمی کتاب دیگری از خود با نام باقیات الصالحات دارد که دارای شش باب و بخشی به عنوان ملحقات است. وی، خودش این کتاب را در حاشیه چاپ مفاتیح، منتشر کرده است و اکنون نیز در چاپ‌های مختلف مفاتیح، عرضه می‌گردد.

### ۱-۳. علت تألیف مفاتیح الجنان

شیخ عباس قمی در مقدمه کتاب خود به تصریح، علت تألیف مفاتیح الجنان را نوشته است:

«بعضی از اخوان مؤمنین از این داعی درخواست نمودند که کتاب مفتاح الجنان را که متداول شده بین مردم، مطالعه نمایم و آنچه از ادعیه آن کتاب که سند دارد، ذکر نمایم و آنچه را که سندش به نظرم نرسیده، ذکر نمایم و اضافه کنم بر آن بعضی ادعیه و زیارات معتبره که در آن کتاب ذکر نشده. پس احقر خواهش ایشان را اجابت نموده و این کتاب را به همان ترتیب جمع آورده و نامیدم آن را به مفاتیح الجنان» (همان: ۱۲).

جدای از این، وی ذیل زیارت وارث، در مطلبی پیرامون مداخله ناهلان به کتب

حدیث و اخبار، مطلبی را از استاد خود نقل کرده، که این یادکرد نیز اشاره‌ای مستقیم به علت و انگیزه تألیف مفاتیح الجنان دارد (همان: ۴۳۱). بنابراین، قصد شیخ عباس قمی از تألیف کتاب مفاتیح الجنان، در دسترس قرار گرفتن کتابی معتبر پیرامون ادعیه و زیارات بوده است تا مردم به بهترین وجه، از این متون استفاده کنند.

### ۲.۳. مفاتیح، تهذیب مفتاح اسدالله بروجردی

از ذکر علت تألیف مفاتیح الجنان، روشن می‌شود که این کتاب شیخ عباس، در واقع تلخیص و تهذیب کتاب مفتاح الجنان است؛ اما وی توضیح بیشتری پیرامون این کتاب یا یادکردی از مؤلف این اثر ندارد.

قمی در چند موضوع از کتاب مفتاح الجنان نام برده است (همان: ۱۲، ۴۳۱، ۵۷۲). دو تن از علمای معاصر شیخ عباس قمی، تألیفاتی در ادعیه دارند که عنوان اثر خود را مفتاح الجنان گذاشته‌اند. یکی، شیخ اسدالله بروجردی است و دیگری، ملا رحمة الله کرمانی. برخی از پژوهشگران به قرائن و شواهدی، صاحب کتاب مفتاح الجنان یاد شده در اثر شیخ عباس قمی را شخصی به نام اسدالله صدوق بروجردی، دانسته‌اند که از اهل منبر و روضه خوان اهل بروجرد بوده است؛ همچنین، عقیده دارند که متن حاشیه مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی، یعنی «باقیات الصالحات فی الادعیه و الصلوات المنذوبات» نیز تلخیص از کتاب مفتاح الجنان ملا رحمة الله کرمانی است (سلیمانی بروجردی، ۱۴۰۱: ۲۸۰/۱).

#### ۴. تلاش مؤلف برای حذف مطالب نامعتبر

چنانچه در ذکر علت تألیف کتاب مفاتیح الجنان گذشت، شیخ عباس قمی علاقه مند و تلاشگر عرصه حذف مطالب نامعتبر از متون ادعیه و زیارات است. این تقید وی، در بخش‌های دیگری از کتاب مفاتیح نیز به چشم می‌خورد. وی پیرامون عباراتی اضافی در زیارت وارث، نوشته است:

«... تمامی این‌ها زیادی و فضولی است؛ شیخ ما در کتاب لؤلؤ مرجان فرموده این کلمات که متضمن چند دروغ واضح است، علاوه بر جسارت ارتکاب بر بدعت و جسارت افزودن بر فرموده امام<sup>(ع)</sup> چنان شایع و متعارف شده که البته چند هزار مرتبه در شب و روز در حضور مرقد منور ابی عبدالله الحسین<sup>(ع)</sup> و محضر ملائکه مقربین و مطاف انبیا و مرسلین<sup>(ع)</sup> به آواز بلند خوانده می‌شود و احدی بر ایشان ایراد نمی‌کند و از گفتن این دروغ و ارتکاب این معصیت، نهی نمی‌نمایند و کم‌کم این کلمات در مجموعه‌هایی که در زیارت و ادعیه احمقان از عوام جمع می‌کنند و گاهی اسمی برای آن می‌گذارند، جمع شده و به چاپ رسیده و منتشر گشته و از مجموعه این احمق به مجموعه آن احمق نقل گردیده و کار به جایی رسیده که بر بعضی طلبه مشتبه شده. روزی طلبه‌ای را دیدم که آن دروغ‌های قبیحه را برای شهدا می‌خواند. دست بر کتفش گذاشتم. ملتفت من شد. گفتم از اهل علم قبیح نیست چنین اکاذیب در چنین محضری. گفت: مگر مروی نیست. تعجب کردم گفتم: نه. گفت: در کتابی دیدم. گفتم: در کدام کتاب؟ گفت: مفتاح الجنان. ساکت شدم. چه کسی که در بی‌اطلاعی کارش به اینجا رسد که جمع کرده بعضی عوام را کتاب شمرد و مستند قرار دهد، قابل سخن گفتن نیست. پس شیخ [محدث نوری] مرحوم کلام را در این مقام طول داده و فرموده که به حال خود گذاشتن عوام در امثال این امور جزئی و بدعت‌های مختصره مثل غسل اویس قرن و آش ابوالدرداء تابع و مخلص

حقیقی معاویه و روزه صمت که در روز سخن نگویند و غیر آن که احدی بر مقام نهی برنیامده سبب تجری شده که در هر ماه و سال پیغمبر و امام تازه پیدا می شود و دسته دسته از دین خدا بیرون می روند انتهی کلامه رفع مقامه. این فقیر گوید: خوب تأمل کن در فرمایش این عالم جلیل که مطلع است بر مذاق شرع مقدس. چگونه این مطلب همی عظیم و عقده ای بزرگ در دل او گردیده؛ چون می داند مفاسد این کار را برخلاف آنان که از علوم اهل بیت (ع) محروم و بی بهره ماندند و به دانستن ضغی از اصطلاحات و الفاظ اکتفا کردند که امثال این مطالب را چیزی ندانند؛ بلکه تصحیح و تصویب نموده و عمل بر وفق آن نمایند؛ لاجرم کار به جایی رسد که کتاب مصباح‌المتهدد و اقبال و مهج الدعوات و جمال‌الاسبوع و مصباح الزائر و بلد‌الامین و جنة‌الواقیه و مفتاح‌الفلاح و مقباس و ربیع‌الاسابیع و تحفه و زاد‌المعاد و امثال این کتب، متروک و مهجور شود و این مجموعه های احمقانه شایع شود که در دعای مجیر که از دعاهای معتبره مرویه است، در هشتاد موضع آن کلمه «بِعَفْوِكَ» زیاد کنند و کسی انکار نکند و در دعای جوشن که مشتمل بر صد فصل است، برای هر فصلی يك خاصیتی وضع کنند و با بودن این همه زیارات مأثوره، زیارت مفجعه جعل کنند و با بودن این همه دعاهای معتبره مرویه با مضامین عالیه و کلمات فصیحه بلیغه، دعایی بی ربط در کمال برودت جعل نمایند و نام او را دعای حبی گذارند و از کنگره عرش آن را نازل نمایند و چندان فضیلت برای او وضع نمایند که انسان را متحیر و سراسیمه نماید... الخ.

و شایسته است که انسان از شنیدن این ها عوض خنده گریه کند. کتب ادعیه شیعه که به مرتبه ای متقن و محکم بوده که غالب آن ها که استنساخ می نمودند، خودشان از اهل علم بودند و از روی نسخی که به خط اهل علم و تصحیح شده علما بوده، مقابله و تصحیح می نمودند و اگر اختلافی بود، در حاشیه اش به آن اشاره می کردند...

و هکذا کارش به جایی رسیده که [خواندن ادعیه و زیارات توسط مردم] منحصر به کتاب مفتاح [الجنان] شده که فی الجمله [پیش تر] وصفش را شنیدی و این کتاب مرجع عوام و خواص و عرب و عجم گردیده و این نیست جز از بی اعتنایی اهل علم به حدیث و اخبار و رجوع نکردن به کتب علما و فقهای اهل بیت اطهار<sup>(ع)</sup> و نهی نمودن از امثال این بدع و اضافات و دس وضاعین و تحریف جاهلین و جلو نگرفتن از نااهلان و از تصرفات بی خردان تا کار به جایی رسیده که دعاها موافق سلیقه‌ها تلفیق شده و زیارت‌ها و مفعه‌ها و صلوات‌ها اختراع شده و مجموعه‌های بسیار از دعاهای دس شده، چاپ شده و بچۀ مفتاح‌ها متولد گشته...

و این احقر با اینکه می‌دانستم مذاق مردم این زمان و عدم اهتمام ایشان را در امثال این امور، برای اتمام حجت سعی و کوشش بسیار کردم که دعاها و زیارات منقوله در این کتاب حتی الامکان از نسخه‌های اصل نقل شود و بر نسخ متعدده عرضه شود و به قدری که از عهده برآیم، تصحیح آن نمایم تا عامل به آن از روی اطمینان عمل نماید. إن شاء الله به شرط آنکه کاتبین و ناسخین تصرف در آن نمایند و خواننده‌ها اختراع و سلیقه‌های خود را کنار گذارند. ... [سپس شیخ عباس دو حدیث در امانت‌داری نقل دعا درج می‌نماید و می‌نویسد] کافی است تأمل در این دو حدیث شریف برای تنبه کسانی که در دعاها به سلیقه خود بعضی کلمات زیاد می‌کنند و پاره‌ای تصرفات می‌نمایند. و الله العاصم» (قمی، بی‌تا: ۴۳۳، ۴۳۱).

چون شیخ عباس قمی مقید و علاقه‌مند به پالایش منابع و متون دینی به وجه احسن بوده، لازم است ما نیز در حد توان خود، وی را در این مسیر همیاری کنیم. مهم‌ترین همیاری برای تهذیب نیکوتر کتاب مفاتیح الجنان، پرداختن به اعتبارسنجی مطالب مندرج در این کتاب است. ما در این مرحله، نکاتی را پیرامون انواع مطالب موجود در مفاتیح الجنان مطرح می‌نماییم.

## ۵. مطالبی که مؤلف به مشکوک بودن آن‌ها اشاره نمود

گاهی شیخ عباس قمی با درج و ذکر مطالب خود در مفاتیح‌الجنان، به نوعی به مشکوک بودن یا مورد ابهام بودن برخی از مطالب ارائه شده، اشاره کرده است و از متن وی می‌توان برداشت نمود که مؤلف، هم به اشکال مطلب اشراف داشته و هم به نوعی خواسته که خواننده نیز به این ابهام توجه کند.

نمونه، ذیل دعای عرفه: مؤلف [شیخ عباس قمی] گوید که کفعمی دعای عرفه امام حسین<sup>(ع)</sup> را در بلدالامین تا اینجا نقل فرموده و علامه مجلسی در زادالمعاد این دعای شریف را موافق روایت کفعمی ایراد نموده؛ ولیکن سید ابن طاووس در اقبال بعد از «یا رب یا رب یا رب» این زیادتى را ذکر فرموده «إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا..» (همان: ۲۷۱).

در کتاب اقبال‌الاعمال سید ابن طاووس (ق ۷) و نیز در کتاب البلدالامین جناب کفعمی (ق ۹)، دعای عرفه، فاقد سند ذکر شده است (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ۷۴/۲؛ کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۲۵۱). ظاهراً برای نخستین بار، علامه مجلسی (ق ۱۱) در کتاب زادالمعاد خود، نام دو راوی یعنی: بشیر و بشر (الأسديان) را برای سند این دعا، ارائه کرده است (مجلسی، ۱۴۲۰ق: ۱۷۳) و نیز در البلدالامین کفعمی نام این دو راوی بعد از این عبارت از دعای ندبه «يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ...» آمده است (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۲۵۸). در هر صورت، این دو راوی، مجهول هستند و توثیق نشده‌اند. بنابراین به این معنی است که دعای عرفه منسوب به امام حسین<sup>(ع)</sup>، از جهت سند بی اعتبار است.

عده‌ای عقیده دارند که حداقل، قسمت پایانی دعای عرفه جعلی است و از امام حسین<sup>(ع)</sup> نیست. این قسمت دعا، تنها در نسخه‌هایی از کتاب اقبال‌الاعمال سید

ابن طاووس آمده است؛ هرچند که این بخش، در کتاب دیگر وی یعنی مصباح الزائر، وجود ندارد. علامه مجلسی، علامه طهرانی و آیت الله شبیری زنجانی، در صدور این بخش پایانی دعا از امام حسین<sup>(ع)</sup> تردید کرده‌اند و عقیده دارند که این قسمت از دعای عرفه، از کلام برخی مشایخ صوفیه، به دعای عرفه (در کتاب ابن طاووس) افزوده شده است (به عنوان نمونه نک: مجلسی، ۱۴۰۳:ق: ۲۲۷/۹۵).

جلال الدین همایی، این قسمت دعا را به ابن عطاء الله اسکندرانی، عارف معروف قرن هفتم هجری نسبت داده است و می‌گوید که این قسمت دعای عرفه، در نسخه قدیم کتاب الحکم العطائیه موجود است (همایی، ۱۳۸۵: ۱۸/۲). از طرفی، چون وفات سید ابن طاووس در سال ۶۶۴ ق. و وفات ابن عطاء الله در سال ۷۰۹ ق. بوده، به این معنی است که ابن طاووس، نیم قرن پیش از سازنده این بخش دعا رحلت کرده است. بنابراین، به نظر می‌رسد که الحاق این فقرات پایانی دعا به دعای امام حسین<sup>(ع)</sup> در کتاب اقبال، پس از وفات سید ابن طاووس و توسط دیگران انجام شده است.

## ۶. مطالب مشکوکی که مؤلف نسبت به آن‌ها ساکت بوده

با اینکه فلسفه تألیف کتاب مفاتیح الجنان، تهذیب کتاب مفتاح الجنان بروجردی و حذف مطالب نامعتبر آن کتاب بوده است و شیخ عباس تلاش نموده تا اثرش از مطالب بی اعتبار عاری باشد و مطالب معتبر را جمع‌آوری و ارائه کند؛ اما با این حال مطالبی در مفاتیح یافت می‌شود که اعتبار لازم را ندارند و مؤلف نیز نسبت به بی اعتباری آن‌ها در تألیف خود، ساکت بوده است.

نمونه، دعای سمات: شیخ عباس قمی در مفاتیح نوشته است:

«معروف به دعای شَبُور که مستحب است خواندن آن در ساعت آخر روز جمعه و مخفی نماند که این دعا از ادعیه مشهوره است و اکثر علمای سلف بر این دعا مواظبت می نموده اند و در مصباح شیخ طوسی و جمال‌الاسبوع سید ابن طاووس و کتب کفعمی به سندهای معتبر از جناب محمد بن عثمان عمروی<sup>(رض)</sup> که از نواب حضرت صاحب الامر<sup>(ع)</sup> است و از حضرت امام محمدباقر و امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup> روایت شده و علامه مجلسی<sup>(ره)</sup> آن را با شرح در بحار ذکر کرده و آن دعا موافق مصباح شیخ این است: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ ...**» (قمی، بی تا: ۷۰ و ۷۱).

جدای از اینکه راویان روایت دعای سمات، از غلات شیعه هستند و این غالیان، کسانی هستند که قواعد تحدیث را رعایت نمی کرده اند و همچنین علاقه مند بوده اند که مطالب جالب و علمی را به امامان شیعه<sup>(ع)</sup> نسبت دهند؛ اکنون دلایل و شواهد مختلفی بر یهودی بودن اصالت دعای سمات قابل ذکر است، که برخی از آن‌ها عبارتند از: ۱. تصریح متن روایات داستان دعای سمات (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۹۵/۹۰؛ مصباح، ۱۴۰۳ق: ۵۵۹). ۲. اسم و عنوان دعا (گرامی، ۱۳۹۴). ۳. کلیدواژه‌های متن دعا؛ یعنی بدنه اصلی دعای سمات، محتوا و مضامین یهودی با کلیدواژه‌های توراتی دارد؛ به گونه ای که حتی بیشتر محتوای متن دعا، پیرامون حضرت موسی<sup>(ع)</sup> و بنی اسرائیل است. ۴. زمان فضیلت خواندن دعا. اصطلاح سبت در فرهنگ یهودی، به روز هفتم هفته (که پیش از غروب آفتاب در روز جمعه آغاز می شد و با فرارسیدن غروب آفتاب در روز شنبه پایان می پذیرد) گفته می شود و در دیانت یهودیت، نماز یا دعای «شبات» به مفهوم قبول کردن شنبه است و در هنگام جمعه شب خوانده می شود و به نوعی، مقدمه عرفانی مراسم شبات می باشد (انترمن، ۱۳۸۵: ۲۵۹-۲۶۳).

به نظر می‌رسد که برخی با اطلاع و یا بر سر جهل، یک متن دعا یا ورد یهودی، که شنیده‌هایی گویای «مجرب بودن» تأثیر آن بوده است را با اضافه نمودن صلوات و نام پیامبر و آله<sup>(ع)</sup> به انتهای متن دعا یا برخی واژه‌ها همانند «مسجد» به خیف، به عنوان یک دعای مجرب شیعی و منقول از امام<sup>(ع)</sup> جا زده‌اند. ظاهراً این جعل و تجویزها، با کلمات تأییدی جنبی نیز همراه بوده است؛ به‌گونه‌ای که علامه مجلسی نوشته است: «این دعا در بین اصحاب در غایت شهرت بوده و به طور منظم آن را می‌خواندند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۱/۸۷)».

در هر صورت، دعای سمات به مرور زمان و خاصه از دوره صفویه، به دعایی مشهور شیعی بدل شده است. برخی افراد نیز شاید بنا بر شواهد گمراه‌کننده وجود نام محمد بن عثمان عمری (دومین نایب امام دوازدهم) در اسناد روایت دعای سمات و از سوی دیگر، تعلق روز جمعه به امام عصر<sup>(ع)</sup>، تصور نموده‌اند که دعای سمات ارتباطی به امام زمان (عج) دارد و حتی شاید این دعا را به نیت ایشان زمزمه می‌کنند.

## ۷. مطالبی که توسط دیگران به مفاتیح افزوده شده

شیخ عباس قمی توجه کامل دارد که برخی از نساخان یا ناشران، در آثار مؤلفان دست می‌برند و مطالبی را کم یا زیاد می‌کنند و بر این تحریفات و دست‌بردها، حساس بوده است. به عنوان نمونه، وی در جایی از همین کتاب مفاتیح الجنان نوشته است:

«... مثلاً کتاب منتهی الآمال این احقر را تازه طبع کردند. بعضی از کتاب آن به سلیقه خود در آن تصرفاتی نموده؛ از جمله ... و غرضم از ذکر این مطلب در اینجا دو چیز بود: یکی آنکه این تصرفاتی را که این شخص کرده، به سلیقه خود این را کمال دانسته و خلافتش را ناقص فرض کرده و حال آنکه همین چیزی که او کمال

دانسته، باعث نقصان شده. پس از اینجا قیاس کنیم که چیزهایی که ما از روی جهل و نادانی در دعاها و زیارات داخل می‌کنیم یا به سلیقه ناقص خود بعضی تصرفات می‌نماییم و آن را کمال فرض می‌نماییم، بدانیم که همان چیزها پیش اهلش سبب نقصان و بی‌اعتباری آن دعا یا زیارت خواهد بود؛ پس شایسته است که ما به هیچ وجه در این باب مداخله نکنیم و هرچه دستورالعمل دادند، به همان رفتار نموده و از آن تخطی ننماییم. و دیگر غرضم آن بود که معلوم شود هرگاه نسخه‌ای که مؤلفش زنده و حاضر و نگهبان او باشد این‌طور کنند با او، دیگر با سایر نسخ چه خواهند کرد و به کتاب‌های چاپی دیگر چه اعتماد است» (قمی، بی‌تا: ۴۳۳).

وی در بخش ملحقات مفاتیح‌الجنان نیز نوشته است:

«بعد از آنکه بعون الله تعالی کتاب مفاتیح‌الجنان را تألیف نمودم و در اقطار منتشر گشت، به خاطر رسید که در طبع دوم آن بر آن زیاد کنم دعای وداعی برای ماه رمضان و خطبه روز عید فطر و... و آداب زیارت به نیابت به واسطه کثرت حاجت به این‌ها؛ لکن دیدم هرگاه این کار را کنم فتح بابی شود برای تصرف در کتاب مفاتیح و بسا شود بعضی از فضولان بعد از این در آن کتاب بعضی از ادعیه دیگر را بیفزایند یا از آن کم کنند و به اسم مفاتیح‌الجنان در میان مردم رواج دهند، چنان‌که در مفتاح‌الجنان مشاهده می‌شود؛ لاجرم کتاب را به همان حال خود گذاشتم و این هشت مطلب را بعد از تمام شدن مفاتیح، ملحق به آن نمودم و به لعنت خداوند قهار و نفرین رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) و گذار و حواله نمودم کسی را که در مفاتیح تصرف کند...» (همان: ۵۷۲).

اما در این میان، با اینکه شیخ عباس قمی «لعنت خداوند قهار و نفرین رسول خدا و ائمه اطهار (ع) را به کسانی که در مفاتیح تصرف نمایند»، نموده است؛ با این حال، تصرفات و اضافاتی در متن همین مفاتیح‌الجنان در چاپ‌های مختلف

آن رخ داده است؛ حتی ناشران متعددی، جدای از تصرفات داخلی در متن مفاتیح الجنان، بخش یا بخش‌هایی را با عنوان ملحقات دوم مفاتیح الجنان، به این کتاب افزوده‌اند؛ به عنوان نمونه برخی از این ملحقات، «دعای پس از نماز امام حسین<sup>(ع)</sup>، امام جواد<sup>(ع)</sup>، حدیث کسا» و... می‌باشد. برخی از این ناشران، در توجیه تصرفات خود بیان داشته‌اند:

«چون مصنف در مفاتیح چند دعا را به واسطه طول آن، اول آن را ذکر کرده و بقیه‌اش را نقل ننموده، ما در اینجا آن بقیه را ذکر می‌نماییم تا اشخاصی که این کتاب را دارند، محتاج به کتاب دیگر نشوند و چون در مفاتیح برای امامزاده‌ها زیارتی نقل نشده، در اینجا یک زیارتی برای امامزاده‌ها نقل می‌کنیم...» (قمی، ۱۳۷۶: ۹۸۵).

نمونه، حدیث کسا: بین شیعه امامیه، متن خاصی از حدیث کسا به روایت از حضرت زهرا<sup>(س)</sup> در مجالس و محافل به قصد تبرک و توسل، برای قضای حاجات و رفع مشکلات و شفای بیماران و دفع ناملایمات خوانده می‌شود. این متن حدیث کسای شایع شده، اساساً جعلی است و پایه و اساسی ندارد و به نوعی در قرن یازدهم اختراع شده است (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴: ۴۵.۲۳؛ آبادی، ۱۴۴۰ق: ۵۶.۲۷).

همین حدیث کسا به صورت جعلی به کتاب مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی افزوده شده است؛ یعنی ناشران کتاب مفاتیح، برخلاف میل شیخ عباس، متن حدیث را در پایان مفاتیح الجنان اضافه کرده‌اند. به عنوان نمونه، کتابفروشی اسلامیه در چهار مرحله، تغییرات و افزوده‌هایی در مفاتیح انجام داده و در نهایت، حدیث کسا را به صورت غیرمشخص در متن اصلی کتاب جای داده است. چاپ مفاتیح با تاریخ ۱۳۵۹ قمری مطابق با ۱۳۱۹ شمسی، در واقع چندین چاپ متنوع با «یک تاریخ چاپ»

هستند که عبارتند از:

۱. کتابفروشی اسلامیة در یک مرحله، سوره‌های «عنکبوت، روم و دخان» را به صورت مجزا و شماره صفحه غیرمسلسل با صفحات قبلی و اصلی کتاب، در انتهای مفاتیح اضافه کرده و کتاب مفاتیح را در ۶۰۳ صفحه منتشر می‌کند.

۲. در مرحله بعد، سوره‌های «عنکبوت، روم و دخان» افزوده شده را با شماره صفحات مسلسل و هماهنگ با صفحات قبلی کتاب، در ۶۱۴ صفحه منتشر می‌نماید.

۳. در چاپ بعدی، حدیث کسا را با شماره صفحه غیرمسلسل با صفحات قبلی، به افزوده‌های پیشین اضافه می‌کند؛ به این معنی که در این چاپ، مشخص است که حدیث کسا به صورت مستقل در انتهای کتاب مفاتیح چاپ شده است (تصویر چاپ مرحله ۳ را در صفحات بعد ملاحظه کنید).

۴. کتابفروشی اسلامیة در مرحله دیگر، حدیث کسا را با شماره صفحه مسلسل و هماهنگ با صفحات قبلی مفاتیح، در ۶۱۸ صفحه منتشر کرده است.

جدای از این وضعیت، حتی برخی از ناشران همانند مکتبه نعمان به کارفرمایی شیخ ابراهیم کُتبی از کتاب فروشان نجف اشرف، ضمن افزودن حدیث کسا به انتهای مفاتیح، در انتهای چاپ مفاتیح از زبان شیخ عباس قمی نوشته است: «مطالبی را به کتاب افزودم و از جمله حدیث کسا را آوردم و از اول تا آخر آن را هم دیده‌ام» (دوانی، ۱۳۷۹: ۶۵۷).



نظر شیخ عباس قمی پیرامون حدیث کسا در کتاب منتهی الآمال این‌گونه آمده است: «اما حدیث معروف به حدیث کسا که در زمان ما شایع است، به این کیفیت در کتب معتبره معروفه و اصول حدیث و مجامع متقنه محدثان دیده نشده و می‌توان گفت از خصایص کتاب منتخب (طریحی، م ۱۰۸۵ق) است» (قمی، ۱۳۷۳: ۸۷۳/۱).

## ۸. مطالبی که قابلیت تحقیق جدید دارند

با اینکه شیخ عباس قمی تلاش کرده است تا مطالب نامعتبر کتاب مفتاح الجنان بروجردی را حذف و مطالب معتبر را در تلخیص و تألیف خود ارائه کند؛ اما با این حال، مطالب مختلفی در کتاب مفاتیح قابل ردگیری است که می‌توان به دلایلی آن‌ها را نامعتبر یا ضعیف و مخدوش دانست. حتی برخی از معاصران نسبت به مستندسازی بخش‌هایی از مفاتیح تحت عناوین دیگری اقدام کرده‌اند؛ به عنوان نمونه می‌توان به دو کتاب مفاتیح نوین اثر ناصر مکارم شیرازی و منهاج الحیاة اثر محمد هادی یوسفی غروی اشاره کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ش؛ یوسفی غروی، ۱۴۳۵ق). بنابراین حداقل لازم است که تمامی مطالب مفاتیح به صورت اختصاصی و مجزا اعتبارسنجی و مستندسازی شوند تا بخش‌های مورد قبول این کتاب و بخش‌های بی‌اعتبار آن، مثلاً دعای جوشن کبیر مشخص شوند (جواد، ۲۰۲۳م).

نمونه ۱، دعای کمیل: شیخ عباس قمی در مفاتیح پیرامون دعای کمیل نوشته است:

«دعای کمیل بن زیاد علیه الرحمة و آن از ادعیه معروفه است و علامه مجلسی<sup>(۵)</sup> فرموده که آن بهترین دعاها است و آن دعای خضر<sup>(۶)</sup> است. حضرت امیر المؤمنین<sup>(ع)</sup> آن را تعلیم کمیل که از خواص اصحاب آن حضرت است، فرموده در شب‌های نیمه شعبان و در هر شب جمعه خوانده شود و برای کفایت از شر اعدا و فتح باب رزق

و آمرزش گناهان نافع است. شیخ [طوسی] و سید [ابن طاووس] آن را نقل نموده‌اند و من آن را از مصباح‌المتهدجد [طوسی] نقل می‌کنم ...» (قمی، بی تا: ۶۲).

پیرامون این دعا باید گفت که کلینی (متوفی ۳۲۹ق) شبیه دعای کمیل را از عبد صالح، از القاب امام کاظم<sup>(ع)</sup>، با این سند و جهت ماه رمضان آورده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ<sup>(ع)</sup> قَالَ: ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُسْتَقْبِلَ دُخُولِ السَّنَةِ ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۷۲/۴). دیگر منابع نیز این روایت را با همین سند (التهذیب) یا به صورت مرسل و بدون سند (الفقیه، المقنعه) نقل نموده‌اند. نکته درخور توجه در این روایت آن است که در سند و متن روایت، از امام علی<sup>(ع)</sup> و کمیل بن زیاد خبری نیست و اشاره‌ای نیز به فضیلت خواندن دعا در شب جمعه ندارد.

اولین بار، شیخ طوسی (متوفی ۴۱۶ق) دعای منسوب به کمیل را به عنوان «دعاء الخضر<sup>(ع)</sup>» و برای خوانده شدن در نیمه شعبان، بدون هیچ‌گونه سندی، این‌گونه ذکر کرده است: «روي أن كميل بن زياد النخعي رأي أمير المؤمنين<sup>(ع)</sup> ساجدا يدعو بهذا الدعاء في ليلة النصف من شعبان» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۸۴۴).

ابن طاووس (متوفی ۶۶۴ق) در کتاب الإقبال بالأعمال، جدای از نقل شیخ طوسی، همین دعای خضر<sup>(ع)</sup> توصیه شده در نیمه شعبان را به همراه داستانی بدون سند و به صورت «وجاده»، درج نموده است: «قال كميل بن زياد، كنت جالسا مع مولاي أمير المؤمنين<sup>(ع)</sup> في مسجد البصرة و ... اجلسيا كميل، إذا حفظت هذا الدعاء فادع به كل ليلة جمعة أو في الشهر مرة أو في السنة مرة أو في عمر كمرّة ... ثم قال اكتب ...» (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ۳۳۱/۳).

در این داستان جدید دو نکته مهم برای دعای کمیل اضافه شده است: یک) فضیلت خواندن دعا از نیمه شعبان به شب جمعه و مواقع دیگر تسری پیدا کرده است. دو) شنیدن دعا در سجده توسط کمیل (در نقل شیخ طوسی) به املائی حضرت علی<sup>(ع)</sup> و کتابت کمیل، تغییر یافته است. با این داستان جدید، اشکال کسانی که می‌گویند «متن‌های بلند، قابل حفظ کردن در زمان اندک و بدون تحریف نیستند» بسته خواهد شد؛ چراکه بحث کتابت و املاء، اصالت متن از تحریف و خطا را تقریباً پشتیبانی می‌کند. همچنین کفعمی (متوفی ۹۰۵ق) جدای از دعای کمیل مشهور، متن دیگری شبیه دعای کمیل را بدون سند و منقول از «عبد صالح»، این‌گونه آورده است: «فَنَقُولُ رَوَى عَلِيُّ بْنُ رَبَائِبٍ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ<sup>(ع)</sup> قَالَ اذْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ...» (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۲۱۷).

**چند نکته و یک پیشنهاد:** ۱- دعای کمیل از جهت سند، مخدوش و ظاهراً بی‌اعتبار است و اولین بار، چهار قرن پس از شهادت حضرت امیر<sup>(ع)</sup>، به ایشان منسوب شده است. هرچند ممکن است به اعتبار وجود «علو مضامین» از سوی عده‌ای، قابل قبول دانسته شود. ۲. به نظر می‌رسد که این متن دعا، برساخته از متن‌ها و روایات کوچکتری از حضرت امیر<sup>(ع)</sup> یا دیگران (همانند مشایخ صوفیه) بوده باشد که در دوره‌ای، توسط فرد یا افرادی، تجمیع شده و به عنوان «یک متن واحد طویل» ارائه شده است؛ به عنوان نمونه، در کتاب المصنف اثر ابوبکر بن ابي شيبه (متوفی ۲۳۵ق) بخشی از دعای منسوب به کمیل با این سند آمده است: «حدثنا أبوخالد الأحمر (عن حجاج) عن الوليد بن أبي الوليد عن حدثه عن علي أنه كان يقول في دعائه...» (ابن‌ابی‌شيبه، ۱۴۰۹ق: ۲۴۷/۱۶). همچنین، بخش‌های کوچکتری از دعای کمیل نیز به نقل از دیگران نقل شده است؛ مثلاً در کتاب سنن، اثر ابن‌ماجه (متوفی ۲۷۳ق)

آمده است: «سَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرٍو يَقُولُ إِذَا أَفْطَرَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، أَنْ تُغْفِرَ لِي» (ابن ماجه، بی تا: ۶۳۷/۲). بنابراین، مناسب است پیرامون تک تک فرازهای دعای منسوب به کمیل در منابع متقدم شیعه و سنی، پژوهش‌هایی انجام و متن دعا تاریخ‌گذاری گردد تا اعتبار این دعا بهتر روشن شود.

نمونه ۲، زیارت آل یاسین: شیخ عباس قمی زیارت آل یاسین را در مفاتیح، ذیل «زیارت حضرت صاحب الامر<sup>(ع)</sup>» درج کرده و نوشته است:

«شیخ جلیل احمد بن ابی طالب طبرسی<sup>(۵)</sup> در کتاب شریف احتجاج روایت کرده که: از ناحیه مقدسه بیرون آمد به سوی محمد حمیری. بعد از جواب از مسائلی که از آن حضرت سؤال کرده بود، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لِأَمْرِهِ نَعْقِلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَةً بِالْعَةِ فَمَا تُعْنِ التُّذْرُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ؛ هرگاه خواستید توجه کنید به وسیله ما به سوی خداوند تبارک و تعالی و به سوی ما پس بگویید، چنان که خدای تعالی فرموده: سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسٍ...» (قمی، بی تا: ۵۲۳).

پیرامون این دعا باید گفت که زیارت آل یاسین، دو نقل بسیار متفاوت دارد (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۴۹۳/۲؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۵۶۷) و نقل مشهور آن، اولین بار در قرن ششم و بدون سند در کتاب احتجاج منسوب به طبرسی آمده است: «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ أَنَّهُ قَالَ: خَرَجَ التَّوْقِيعُ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ حَرَسَهَا اللَّهُ بَعْدَ الْمَسَائِلِ...» (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۴۹۳/۲).

این زیارت، سواى مناقشات پیرامون عبارت «سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينٍ»، سند مخدوش و نامعتبری نیز در منابع قرن هفتم به بعد، همانند الْمَزَاوُ الْكَبِيرَاثِرِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ مَشْهُدِي (م ۶۱۰ق) دارد (محمّدی ری شهری، ۱۳۹۳: ۴۰۱.۳۸۸/۶) که قاعدتاً جعلی هستند.

جدای از سند مخدوش زیارت که شامل راویان مجهول یا مهمل هستند و نیز ابهام در منبع اصلی و متقدم آن، یعنی کتاب احتجاج که متأثر از تراث زیدیه است (استادی، ۱۴۰۰ و استادی، ۱۴۰۱) به نظر می‌رسد که اگر چندین کلمه را از متن زیارت آل یاسین حذف کنیم، محتوای این متن، تطابق کاملی با معارف زیدیه، مخصوصاً زیدیه جارودیه دارد و به نظر می‌رسد که متن زیارت، متنی برخاسته از توجه زیدیان به امامان زیدیه‌شان بوده است که بعدها، آن متن با اضافاتی همانند: «وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ» تبدیل به متنی شیعی اثنی عشریه گشته است. بنابراین لازم است که پژوهشگران عرصه کلام و حدیث، با کلیدواژه‌های خاص موجود در متن زیارت (همانند: دَاعِيَ اللَّهِ و مانند آن) و تطبیق آن‌ها با معارف زیدیان، زیارت آل یاسین را بازشناسی ویژه نمایند.

## ۱۰. نتیجه

۱- شیخ عباس قمی برای در دسترس قرار گرفتن کتابی معتبر پیرامون ادعیه و زیارات در میان مردم، کتاب مفتاح الجنان اثر شیخ اسدالله بروجردی را که حاوی برخی مطالب نامعتبر بوده است، تلخیص و تهذیب نموده و ضمن حذف برخی از مطالب سست آن، کتاب تلخیصی جدیدی را تحت عنوان مفاتیح الجنان منتشر کرده است.

۲- چون شیخ عباس قمی مقید و علاقه‌مند به پالایش منابع و متون دینی به وجه احسن بوده، ما نیز لازم است وی را در حد توان خود یاری کنیم و مهم‌ترین همیاری برای تهذیب نیکوتر کتاب مفاتیح الجنان، اعتبارسنجی تمامی مطالب مندرج در آن است.

۳. کتاب مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی، حاوی چند دسته مطالب است: یک) مطالبی که مؤلف به مشکوک بودن آنها اشاره کرده است. دو) مطالب مشکوکی که مؤلف نسبت به آنها ساکت بوده است. سه) مطالبی که دیگران به چاپ‌های متعدد مفاتیح افزوده‌اند. چهار) مطالبی که قابلیت تحقیق و اعتبارسنجی جدید دارند.

۴. با اینکه شیخ عباس قمی تلاش کرده است تا مطالب نامعتبر کتاب مفاتیح الجنان بروجردی را حذف و مطالب معتبر را در تلخیص و تألیف خود ارائه نماید، اما بنا بر نمونه‌هایی که در مقاله حاضر ذکر شد، روشن گشت که مطالب مختلفی در کتاب مفاتیح قابل بررسی است که به دلایلی، نامعتبر یا ضعیف و مخدوش هستند. بنابراین لازم است که تمامی مطالب مفاتیح، مجدداً و به صورت اختصاصی و مجزا، اعتبارسنجی و مستندسازی شوند تا بخش‌های مورد قبول کتاب، مشخص و بخش‌های بی اعتبار آن، تذکر داده شوند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. کتاب الْمُنتَخَبِ فِي جَمْعِ الْمَرَاثِي وَالْخُطَبِ نُوْشْتَه فخرالدین طریحی است که مطالبی مربوط به اهل بیت<sup>(ع)</sup> را گرد آورده و بخش عمده آن، مربوط به تاریخ امام حسین<sup>(ع)</sup> است. انتقادات زیادی به این کتاب، به دلیل وجود تحریفات عاشورا شده است و عده‌ای از کتاب‌شناسان و حدیث‌پژوهان گفته‌اند که: منتخب طریحی، مشتمل بر مطالب موهون و بدون ذکر منبع با احادیث مرسل است (به عنوان نمونه نک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸: ۱۰۰/۱).

## منابع

۱. آبادی، فاطمه (۱۴۴۰ق). «دراسة نقدية في صحّة حديث الكساء المشهور في ضوء منهج تحليل المحتوى». آفاق الحضارة الاسلامية. الربيع: العدد ۴۳. صص ۲۷-۵۶.
۲. ابن ابی شیبہ (۱۴۰۹ق). مصنف ابن ابی شیبہ (المصنف في الأحاديث والآثار). تحقيق: يوسف الحوت. بيروت: دارالتاج.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۷). إقبال الأعمال. المحقق جواد القیومی الاصفهاني. قم: مركز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامي.
۴. ابن ماجه (بی تا). سنن ابن ماجه. بيروت: دارالاحياء.
۵. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق). المزار الكبير. المحقق: جواد القیومی الاصفهاني. النشر: القیوم. المطبعة: مؤسسة النشر الإسلامی.
۶. استادی، کاظم (۱۴۰۰). «بازشناسی نویسندگان توقیعات منسوب به امام عصر(ع) برای شیخ مفید، موجود در کتاب احتجاج». انتظار موعود. دوره ۲۱. ش ۷۳. صص ۱۵۷.۱۲۷.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۱). «بازشناسی مؤلف تفسیر منسوب به عسکری». علوم قرآن و حدیث فردوسی. دوره ۵۴. ش ۲. پیاپی ۱۰۹. صص ۹-۳۲.
۸. اصغرنیویند، شهرام و فاطمه عبادی آق قلعه (۱۳۸۰). «کتاب شناسی ادعیه». کتاب ماه دین. تیر: ش ۴۵ و ۴۶. صص ۱۱۳-۱۷۲.
۹. انترمن، الن (۱۳۸۵). باورها و آیین های یهودی. ترجمه رضا فرزین. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

۱۰. ترابی، حسین (۱۳۸۴). «پژوهشی درباره ذیل دعای عرفه». میقات. دوره ۱۳. ش ۵۱. صص ۶۹، ۴۴.
۱۱. جواد، ابراهیم (۲۰۲۳م). «قراءة نقدية في رواية دعاء الجوش الكبير». سایت اینترنتی: [http://mhedaiat.blogspot.com/2023/04/blog-post\\_28.html](http://mhedaiat.blogspot.com/2023/04/blog-post_28.html)
۱۲. دونای، علی (۱۳۷۹). مفاخر اسلام. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۳. طالعی، عبدالحسین (۱۳۸۹). «سال شمار حیات و آثار محدث قمی». مقالات کنگره بزرگداشت محدث قمی. قم: نور مطاف.
۱۴. طبرسی منسوب به أحمد بن علی (۱۴۰۳ق). الاحتجاج. تعليق السيد محمد باقر الخرسان. مشهد: المرتضى.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). مصباح المتهجد. بیروت: مؤسسة فقه الشیعه.
۱۶. قمی، عباس (۱۳۵۹ق). مفاتیح الجنان، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۱۷. ——— (۱۳۷۳). منتهی الآمال. قم: هجرت.
۱۸. ——— (۱۳۷۶). مفاتیح الجنان. ترجمه موسوی دامغانی. قم: صدیقه.
۱۹. ——— (بی تا). مفاتیح الجنان. تهران: اسوه.
۲۰. کدیور، محسن (۱۳۹۳). «تأملاتی درباره توسل و دعای توسل». سایت اینترنتی محسن کدیور: [kadivar.com](http://kadivar.com). کد: ۱۰۸۰۴.
۲۱. کریمیان، محمود (۱۳۹۷). «اعتبارسنجی و مفهوم شناسی احادیث من بلغ». حدیث حوزه. بهار: ش ۱۶. صص ۷-۲۱.
۲۲. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۸ق). البلد الأمين و الدرع الحصین. بیروت: الأعلمی للمطبوعات.

۲۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق). مصباح (جنة الامان الواقية و جنة الايمان الباقية). بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. به تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۵. گرامی، محمدهادی (۱۳۹۴). «پی جویی ردّ پای سنّت سمات خوانی در تلمود بابلی». سایت اینترنتی: حلقه کاتبان: [www.kateban.com](http://www.kateban.com).
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰ق). زاد المعاد. محقق علاءالدین اعلمی. بیروت: الأعلمی للمطبوعات.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳). دانشنامه امام مهدی (عج). قم: دارالحدیث.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). اهل بیت (ع) در قرآن و حدیث. قم: دارالحدیث.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). کلیات مفاتیح نوین. ترجمه هاشم رسولی محلاتی. قم: مدرسه علی ابی طالب.
۳۱. همایی، جلال الدین (۱۳۸۵). مولوی نامه (مولوی چه می گوید؟). تهران: شرکت نشرهما.
۳۲. یوسفی غروی، محمدهادی (۱۴۳۵ق). منهاج الحیاة فی الأدعیة و الزیارات عن أهل البيت الهداة. قم: المجمع العالمی لاهل البيت (ع).